



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: وقت مشترک و مخصوص/مواقیت الصلاة  
 بحثمان درباره وقت نماز صبح اولاً و آخراً بود، در مورد اول وقت گفتیم که معیار این است که باید فجر محقق بشود و فجر یعنی گسترش نور و روشنایی در افق که بر دو قسم بود؛ اول فجر کاذب است یعنی یک روشنایی به صورت عمودی به طرف بالا می رود که این موثر و ملاک نیست و به دُم گرگ تشبیه شده و دوم فجر صادق است که یک روشنایی به صورت افقی می باشد که گسترش پیدا می کند و ملاک همین است.

آیه شریفه: ﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ﴾<sup>۱</sup> امروز مورد بحث ما می باشد.

ترجمه: و بخورید و بیاشامید، تا رشته سپید صبح، از رشته سیاه (شب) برای شما آشکار گردد.

در اینجا برای بیان فجر صادق از تشبیه استفاده شده، مراد از خیط ابيض یعنی نخ سفیدی که در واقع مراد همان فجر صادق است و خیط أسود یعنی نخ سیاه که مراد طرف چپ و راست همان فجر صادق می باشد که هنوز روشن نشده اند.

یک بحثی در اینجا بوجود آمده، روایتی داشتیم که اگر شب مهتابی بود یا ابری در بین بود از کجا باید بفهمیم که فجر صادق محقق شده؟ اول حدیث را می خوانیم بعد مباحثی که در مورد آن مطرح شده را بیان می کنیم، خبر این است: ﴿محمد بن يعقوب، عن

علي بن محمد، عن سهل بن زياد، عن علي بن مهزيار قال: كتب أبو الحسن بن الحصين إلى أبي جعفر الثاني (امام جواد) عليه السلام معي: جعلت فداك قد اختلف موالوك (مواليك) في صلاة الفجر، فمنهم من يصلي إذا طلع الفجر الأول المستطيل في السماء (فجر كاذب)، ومنهم من يصلي إذا اعترض في أسفل الأفق واستبان (فجر صادق)، و لست أعرف أفضل الوقتين فأصلي فيه، فإن رأيت أن تعلمني أفضل الوقتين وتحده لي، و كيف أصنع مع القمر والفجر لا يتبين (تبيين) معه، حتى يحمر ويصبح، وكيف أصنع مع الغيم وما حد ذلك في السفر والحضر فعلت إن شاء الله، فكتب عليه السلام بخطه و قرأته: الفجر يرحمك الله هو الخيط الأبيض المعترض، وليس هو الأبيض سعدا فلا تصل في سفر ولا حضر حتى تبينه، فإن الله تبارك وتعالى لم يجعل خلقه في شبهة من هذا، فقال: "وكلوا واشربوا حتى يتبين لكم الخيط الأبيض من الخيط الأسود من الفجر"، فالخيط الأبيض هو المعترض الذي يحرم به الأكل والشرب في الصوم، وكذلك هو الذي يوجب به الصلاة.<sup>۲</sup>

امروزه که علم پیشرفت کرده با استفاده از وسائل و ابزار آلات تشخیص این مسائل راحت شده اما در قلم بسیار مشکل بوده.

فقهاء ما مثل آقای بروجردی و فقیه همدانی و آقای خوئی و امام رضوان الله عليهم اجمعین همگی در اینجا

<sup>۱</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۱۵۳، ابواب مواقیت الصلاة، باب ۲۷،

حدیث ۴، ط الاسلامیة.

<sup>۲</sup> سوره بقره، آیه ۱۸۷.

صورت چیزی جایگزینش نمی شود یا اینکه طریقت دارد که در این صورت اگر از راهی بفهمیم که به آن حد رسیده صحیح است و معتبر می باشد.

آقای خوئی در اینجا به فقیه همدانی در مورد تبیین تقدیری اشکال کرده و بعد فرموده باید بحث را به اینجا ببریم که آیا تبیین موضوعیت دارد یا طریقت دارد؟ و امام رضوان الله علیه نیز مطالبی را در اینجا بیان فرموده البته شاید این موضوع خیلی کاربردی نباشد ولی از نظر علمی مباحث مفیدی دارد که بعداً به عرضتان خواهیم رساند إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی  
محمد و آله الطاهرین

که مربوط به شبهای مهتابی است حرف دارند که ما چطور باید بفهمیم صبح شده.

فقیه همدانی در مصباح الفقیه این طور فرموده: «مقتضی ظاهر الكتاب والسنة وكذا فتاوی الأصحاب : اعتبار اعتراض الفجر وتبينه في الافق بالفعل , فلا يكفي التقدير مع القمر لو أثر في تأخر تبين البياض المعترض في الافق.

ولا يقاس ذلك بالغيم ونحوه ؛ فإن ضوء القمر مانع عن تحقق البياض ما لم يقهره ضوء الفجر , والغيم مانع عن الرؤية لا عن التحقق , وقد تقدم في مسألة التغيير التقديري في مبحث المياه من كتاب الطهارة ما له نفع للمقام , فراجع (جلد ۱ ، صفحه ۵۱ و ما بعدها) .»<sup>۳</sup>

شاید در آن زمان یقین به تحقق فجر صادق در لیالی مقمره به این صورت بوده که کمی صبر می کردند ولی همان طور که عرض شد الان چون علم پیشرفت کرده به راحتی با استفاده از ابزار و آلات مخصوصی می توانند دقیق تشخیص بدهند.

آیت الله سید احمد خوانساری در جامع المدارک که شرح مختصر النافع محقق می باشد این بحث را مطرح کرده و فرموده آیا این تبیین که در آیه شریفه ذکر شده موضوعیت دارد یا طریقت دارد؟ اگر موضوعیت داشته باشد ما باید منتظر خود تبیین بمانیم اما اگر طریقت داشته باشد در واقع طریقی است بر اینکه صبح شده که در این صورت به هر وسیله ای می توانیم به این مطلب برسیم و حالا ما باید ببینیم این قید "حتی یتبین لكم الخیط الأبيض من الخیط الأسود" که در حکم اخذ شده آیا این تبیین موضماً اعتبار دارد که در این

<sup>۳</sup> مصباح الفقیه، فقیه همدانی، ج ۹، ص ۱۳۴.